

بررسی عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی - مذهبی در ایران

علی اصغر زرگر^{۱*}

مجتبی مقصودی^۲

بابک نادرپور^۳

تورج گیوری^۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی - مذهبی در ایران است. روش پژوهش توصیفی-اکتشافی و جامعه آماری آن اساتید دانشگاه، کارکنان سازمان زندان‌ها، کارکنان سامانه‌های اطلاعاتی و امنیتی و اعضاء رسمی (دستگیر شده و دستگیر نشده) گروه‌های رادیکال قومی - مذهبی است که ۱۰۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی، و همچنین پرسشنامه (بسته و باز) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. قبل از انجام تحلیل عاملی، کفایت نمونه‌گیری و آزمون بارتلت محاسبه شد. نتایج پژوهش نشان داد که ده عامل محرومیت، بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی، ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی، ساختار توپوگرافی ایران، عدم انطباق گروه‌های مذهبی با مرزهای سیاسی، وابستگی به سرمایه خارجی، تحولات سیاسی منطقه، نفوذ قدرت‌های خارجی، مشروعیت سیاسی، تهدیدهای امنیتی می‌تواند بر گسترش گروه‌های رادیکالی قومی - مذهبی مؤثر باشند.

واژه‌های کلیدی:

رادیکالیسم قومی، شکاف قومی، هویت قومی، تنوع قومی

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. دانشجوی دکتری علوم سیاسی - مسائل ایران - دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: a_zargar2003@yahoo.com

مقدمه

تمامی کشورها و واحدهای سیاسی به جز تعداد محدودی از آن‌ها دارای تنوع قومی و مذهبی بوده و به‌نوعی متأثر از آن می‌باشند. امروزه این موضوع به ابزارهای مهم و دوسویه، هم تهدید زا و هم ابزاری برای اعمال نفوذ قدرت و اهرم فشاری بر سایر کشورها برای تأمین منافع و امنیت ملی و به‌ویژه منافع قدرت‌های بزرگ در سایر کشورهای بوده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۵۰). در ایران بنا به علل تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همواره بخش عمده‌ای از جمعیت این سرزمین را اقوام مختلف تشکیل داده‌اند. در چنین اوضاع و احوالی ضعف قدرت دولت مرکزی، عدم استقرار کامل نهادهای جدید، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، اقدامات تحریک‌کننده از سوی عوامل داخلی و خارجی، فضای روانی موجود، حاکمیت نگرش‌های احساسی-هیجانی بر طرف‌های ذینفع، دادن شعارها و وعده‌های غیرمعمول و دست‌نیافتنی و مطلق‌انگاری‌ها و... که تنش‌هایی را فی‌مابین این گروه‌ها موجب گردید (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۹۳). در آن برهه زمانی وسعت و شدت کشمکش‌های هویتی ایجادشده به حدی بود که برخی از پژوهشگران مسائل ایران، در تحلیل‌های خود از احتمال تجزیه ایران و اثرات مشابه آن بر کشورهای همسایه چون پاکستان، عراق، شوری و ترکیه نیز سخن می‌گفته‌اند (مقصودی و حیدری، ۱۳۹۰: ۵۱). در واقع جامعه ایران، همان‌طور که با پدیده کثرت‌گرایی قومی روبه‌رو است به همان‌سان از تکثر دینی و مذهبی نیز برخوردار است و به همین دلیل یک جامعه ناهمگون و متکثر محسوب می‌گردد (قالیباف، ۱۳۹۱: ۱۶). از همان دهه ۶۰ هـ ش چالش‌های هویتی قوم پایه نیز که دارای رویکردی مبتنی بر جنگ مسلحانه بودند، نظام حاکم کشور را با مشکلات عدیده امنیتی روبرو نموده (پوستین چی و متقی، ۱۳۹۳: ۱۷۷) که از آن جمله می‌توان به فعالیت گروه رادیکال مذهب پایه (حرکت اسلامی کردستان ایران) که در مناطق کردستان و کرمانشاه فعالیت داشتند، اشاره نمود (داوریان، ۱۳۹۳: ۳۷). این نوع حرکت‌های رادیکال قوم پایه متأثر از نخبگان قومی خود که در طول سالیان بعد با بهره‌برداری از زمینه‌ها و بسترهای داخلی و حمایت‌های خارجی روند رو به رشدی را آغاز نمود.

بعد از سپری شدن بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی و همزیستی مسالمت‌آمیز کلیه مذاهب و قومیت‌ها در کنار همدیگر، از دهه ۸۰ هـ ش به بعد ایران شاهد رشد روزافزون گروه‌های رادیکال مذهب پایه تحت عنوان سلفیت جهادی در کنار سایر گروه‌های رادیکال فعال در اقصی نقاط کشور بوده است که به‌مانند آن گروه‌های رادیکال قائل به حرکت‌های مسلحانه بوده و به‌تبع آن چالش‌های امنیتی متعددی را در کشور ایجاد می‌کنند (خورشیدی، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۳). تلاش برای شکل‌گیری کشورها بر اساس هویت‌های مختلف در بستر زمان، باعث

ایجاد نوعی نیروی گریز از مرکز در برخی از جوامع شده است که در این بین جامعه چند فرهنگی و قومی ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مردمان آن، تحت تأثیر قومیت و مذهب، نگاه خاص خود را نسبت به مرکز پیدا نمایند (نقدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۱) در طول تاریخ، فضای ایران مرکب از اقوام و مذاهب متنوع بوده است. اگرچه هویت این اقوام از هویت کلیت ایران جدا نبوده و همه این هویت‌ها در شکل‌گیری هویت کلی ایران نقش مؤثری داشته‌اند، ولی در بستر زمان این هویت کلی به دلیل بروز برخی متغیرهای مهم و تأثیرگذار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه‌های داخلی و خارجی، مشکلات و آسیب‌های سیاسی - امنیتی در حوزه‌های هویتی نمودار شده است. گواه این تحولات مسائل حادث شده در کردستان، خوزستان و آذربایجان است که به دنبال خود تهدیداتی را متوجه نظام نموده است. اگرچه سرعت و نوع فعالیت (رادیکال و یا مسالمت‌آمیز) این جریانات در کشور متناسب با نوع نگرش و اساس گروه‌ها از حیث هویتی، در ادوار مختلف حیات ج.ا. متناسب با شرایط زمانی و مکانی با فراز و فرودهای زیادی روبرو بوده و بعضاً نیز شاهد این بودیم که این قبیل گروه‌ها در تداوم حیات خود دچار دگردیسی‌های عمیقی همچون تغییر خط‌مشی، انحلال و یا تجزیه و انشقاق به گروه‌های مختلف گردیده‌اند، اما با توجه به تحولاتی که در چندساله اخیر در سطح منطقه اتفاق افتاده و با ملحوظ نظر قرار دادن نقش‌آفرینی کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در حمایت از این قبیل گروه‌ها، شاهد افزایش فعالیت‌های رادیکال آن‌ها در داخل کشور بوده‌ایم. از این رو به نظر می‌رسد که عدم شناخت کافی مسئله هویت‌ها و علل و عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکال هویتی، ضمن اینکه مانع برآورد صحیح از کم و کیف این قبیل جریانات می‌گردد، به تبع آن اتخاذ راهکار مناسب برای حل و فصل مسئله ایجاد شده را نیز با مشکل روبرو خواهد کرد. بر همین اساس احصاء علل و عوامل مؤثر بر آن‌ها و شناخت ابعاد آسیب‌پذیری و تهدیدات رادیکال احتمالی هویتی (قوم پایه یا مذهب پایه) این گروه‌ها می‌تواند در اتخاذ راهکار مناسب نقش مهمی ایفا نماید. مسئله قومی در ایران جزو یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر به شمار می‌آید (فکوهی، ۱۳۸۵) «شواهد تجربی و تاریخی نشان می‌دهد که شکاف قومی در میان پنج قوم ایرانی (ترک، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب) فعال شده است. از نظر بشیریه (۱۳۷۴)، شکاف تضادی پیچیده است و از نظر روکان، هر نوع تضادی شکاف نیست، بلکه به حالتی از تضاد شکاف گفته می‌شود که اولاً ساختاری و دوماً پایدار باشد. از نظر ایوبی (۱۳۷۷) «شکاف عبارت است از تضادی که گذرا نیست و برخاسته از متن جامعه است» منظور از شکاف اجتماعی عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند (لیپست و روکان، ۱۹۶۷) «با پذیرش ایران چند قومیتی،

هدف این مطالعه تعیین چرایی و چگونگی فعال شدن شکاف قومی در میان چند قوم ایرانی است. اهمیت این موضوع در بعد نظری آن است. رویکردهای نظری قبلی بر این باور بودند که با پیشرفت جوامع و صنعتی شدن آن، مسائل قومی از میان خواهد رفت. هم‌اکنون، این فرض نه‌تنها به اثبات نرسیده است، بلکه شواهد موجود بر گسترش روزافزون شکاف‌های قومی، تعارض‌ها و تظاهرات آن دلالت دارند (کوردل و ولف، ۱۳۹۳؛ هانتینگتون، ۱۳۷۵؛ اسمیت، ۲۰۱۲). لذا در بیان اهمیت انجام این تحقیق بایستی عنوان نمود که بررسی دقیق و علمی این پدیده باهدف آسیب‌شناسی و مدیریت هوشمند مذاهب در کشور به‌منظور جلوگیری از گسترده‌تر شدن دامنه فعالیت‌های تندروگرایانه آن‌ها صورت می‌گیرد، چراکه عدم انجام این قبیل پژوهش‌ها می‌تواند منجر به ایجاد چالش‌های امنیتی شدیدی همچون جنگ داخلی، تجزیه‌طلبی و ... در جامعه گردد که درنهایت کلیت و بقاء ج.ا.ا را با مخاطرات جدی مواجه نماید.

پدیده‌ی قوم‌گرایی برای برخی از کشورها، چالش‌های متعددی در برداشته و دولت‌ها در این کشورها در پاره‌ای از مواقع با بحران‌هایی گوناگون مواجه‌اند که وحدت و انسجام داخلی آن‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. واقعیت این است که تصور جهانی، فارغ از مسئله‌ی قومیت غیرممکن است؛ چراکه گوناگونی، ویژگی اصلی جوامع انسانی است و همین گوناگونی منجر به تنوع و تکثر هویتی می‌شود. اهمیت موضوع قومیت‌ها برای ایران که دارای تنوع قومیتی بوده و در مجاورت کشورهای دارای مؤلفه‌های قومی - فرهنگی مشابه قرار دارد، در مقایسه با سایر کشورها صدچندان است. دراین‌ارتباط، اتخاذ سیاست‌های مناسب و لحاظ الزامات و مقتضیات متناسب با تنوع قومیتی ایران، می‌تواند کشور را در قبال کشمکش‌ها و تنش‌های قومی مصنوعیت بخشد. گروه‌های قومی در طول تاریخ، همواره بخش‌های جدایی‌ناپذیر جامعه‌ی ایرانی محسوب شده، و همان‌گونه که در گذشته در شکل دادن به میراث سیاسی و فرهنگی ایران و دفاع از آن نقش داشته‌اند، امروز نیز شایستگی ایفای نقش و مشارکت فعال و حضور در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ایران را دارند. رعایت این امر به‌ویژه در مورد آن دسته از گروه‌های قومی و مذهبی که حضور کم‌رنگ‌تری در ساختار قدرت و تشکیلات گوناگون دولت و نهادهای وابسته به آن دارند، یک ضرورت ملی محسوب می‌شود. واقعیت این است که بعد از انقلاب اسلامی باآنکه توجه به مسائل و مشکلات اقوام به‌مراتب بیشتر از دوران پهلوی بوده، باین‌حال در خصوص مسائل قومی، بخشی از مطالبات و خواسته‌های اقوام و اقلیت‌های مذهبی، همچنان پابرجاست.

با توجه به کمبود و مطالعات در این زمینه و عدم شناسایی عوامل گسترش گروه‌های قومی- مذهبی در ایران، محققان در این پژوهش در پاسخ به سؤال «مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی- مذهبی در ایران کدامند و کدام عامل بیشترین نقش را در گسترش این گروه‌ها دارد؟ از آنجایی که اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های قومی- مذهبی در ایران، ظرفیت هم‌راستا کردن مؤلفه‌های اساسی شکل‌دهنده‌ی جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی همه‌جانبه را دارد، می‌تواند در حوزه‌ی سیاست‌گذاری، مسائل قومی ایران را به‌خوبی تحلیل و تبیین نماید.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم هویت و انواع آن

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات که یک فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. در فرهنگ‌های سنتی مفهوم «فرد» تقریباً وجود نداشت و «فردیت» چندان پسندیده نبود. فقط پس از ظهور جوامع جدید و به‌خصوص بعد از تفاوت‌یابی و تقسیم‌کار بود که فرد به‌طور جداگانه در کانون توجه قرار گرفت. اما «فردیت» به‌طور مسلم در تمام فرهنگ‌ها به درجات مختلف ارزشمند بوده است. رشد هویت ناشی از تلاش‌های نوجوانان برای برخورد با فشار اجتماعی در جهت انتخاب یک زندگی معنادار است. هویت موجب خودشناسی است، به‌طوری‌که، اگر فردی نتواند، به یک هویت موفق دسترسی پیدا کند، دچار آشفتگی در نقش‌ها و وظایفی می‌شود که از او به‌عنوان یک بزرگسال انتظار می‌رود و در نتیجه او مستعد بسیاری از اختلالات روانی خواهد شد. موفقیت در زندگی و دستیابی به اهداف و آرمان‌های انسانی در دوره بزرگسالی به نحوه شکل‌گیری هویت وابسته است که بیشتر در دوران نوجوانی و جوانی روی می‌دهد. شکل‌گیری هویت به‌عنوان فرآیند انسجام تغییرات فردی، تقاضای اجتماعی و انتظارات برای آینده محسوب می‌شود (ترابی، ۱۳۹۳).

عوامل زیادی بر شکل‌گیری هویت نقش دارد که عبارت‌اند از: عوامل شناختی، عوامل مربوط به والدین، عوامل مربوط به مدرسه، عوامل اجتماعی- فرهنگی، ترتیب تولد و فاصله سنی فرزندان در خانواده، رفتار نوجوان و خیال‌پردازی نوجوانان. تأثیر زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی بر چگونگی شکل‌گیری هویت نوجوانان از سایر عوامل بیشتر است. رسانه‌های نوین، از سویی به تقویت و ارتقای وحدت و یکپارچگی هویت‌ها و از دیگر سو به چندپارگی و تنوع یافتگی آنان کمک کرده‌اند. پدیده‌ای که می‌توان آن را نوعی بریکولاژ رسانه‌ای (به معنی فرآیندی است که

به‌وسیله‌ی آن مردم با جذب سوژه‌هایی از میان طبقات مختلف اجتماعی، هویت‌های جدید فرهنگی خلق می‌کنند. نامید. در دنیای معاصر به‌واسطه‌ی رخنه کردن وسایل ارتباط نوین در تاروپود جامعه، هویت که قبلاً محول و معین بود، اینک دائماً در حال تغییر، تحول و بحران است. هویت دارای انواع، سطوح و سلسله‌مراتب مختلفی است. هویت فردی (شخصی)، هویت ملی، هویت دینی، هویت خانوادگی، هویت اجتماعی، هویت جنسیتی، هویت فرهنگی، هویت تمدنی.

- هویت فردی: هویت هر فردی عبارت است از مجموعه خصوصیات و توانمندی‌ها و صفات نیک و بد او که باید باهم در نظر گرفته شوند و همین مسئله سبب می‌شود که در جهت تضعیف نقاط ضعف و بدی‌ها و تقویت نقاط قوت و خوبی‌ها و پویایی هویت اقدام شود. هویت فردی شامل سه بعد شخصیتی و صنفی و باطنی است.
- هویت ملی: به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارت‌اند از: سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت. درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، احساس هویت ملی آن‌ها را مشخص می‌سازد.
- هویت دینی: عبارت است از تعریف شخص از خود بر اساس داشتن تعلق نسبت به دینی خاص به همراه ملاحظات ارزشی و احساسی مرتبط با آن (الطائی، ۱۳۸۳).
- هویت خانوادگی: منظور از هویت خانوادگی، تعیین نسبت میان نوجوان و خانواده او است و این‌که چه پیوندهایی میان آن‌ها وجود دارد؟ خانواده نوجوان از دو جنبه برای او حائز اهمیت است: ابتدا بعد مرجعیت و سندیت خانواده و جنبه دوم، کثرت ارتباط‌های نوجوان و والدین در درون نهاد خانواده است. هویت فردی (شخصی) به معنای ادراک شخص از نگرش‌ها، توانایی‌ها و استعدادها است (الطائی، ۱۳۸۳).
- هویت اجتماعی: هویت اجتماعی، مقوله‌ای انسانی است. همه انسان‌ها به هنگام تولد، فارغ از اینکه در کجای زمین به دنیا می‌آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله‌ای برخوردارند، دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی، در میان انواع موجودات زنده هستند و هیچ‌گونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند؛ بنابراین، مقوله هویت انسانی که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می‌گیرد، کاملاً اجتماعی و جامعه‌شناسانه است و ربطی به خون و نژاد و رنگ پوست و ... ندارد (شرف ۱۳۷۲).

- هویت جنسیتی: این هویت نیز شامل، آگاهی از نقش جنسیتی خود و آشنا شدن با مسؤولیت‌ها و وظایفی که به واسطه جنسیت فرد (مرد یا زن بودن) بر عهده فرد گذاشته خواهد شد، می‌شود (اشرف، ۱۳۷۲).
- هویت فرهنگی: هویت یا حس تعلق به یک گروه است. این احساس بخشی از خودآگاهی و درک شخصی شخص و مربوط به تابعیت، قومیت، دین، طبقه اجتماعی، یا هر گروه اجتماعی دارای فرهنگ متمایز خود است. هویت فرهنگی هم مشخص‌کننده فرد و هم‌گروه افرادی که هویت فرهنگی یکسان دارند را مشخص می‌کند (بشیری، ۱۳۷۴).
- هویت تمدنی: تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک دوره تاریخی در یک منطقه جغرافیایی زندگی می‌کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی داشتند. این هویت به شناخت و باور تاریخ و پیشرفت جامعه فرد برمی‌گردد (بشیری، ۱۳۷۴).

مفهوم هویت قومی

هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی است که رابطه انسان با کشورش را نشان می‌دهد. هویت ملی فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی از خود است، این‌که چه کسی بوده و چه هست، خاستگاه اصلی و دائمی‌اش کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروزه چه جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی دارد و بالاخره ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه موردنظر، کارساز خواهد بود. در واقع هویت ملی به معنای احساس وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی است. بر اساس این تعریف، میزان تعلق و وفاداری افراد درون یک اجتماع ملی به هر یک از عناصر و نمادهای ملی، سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات و مردم و دولت، شدت احساس هویت ملی افراد آن اجتماع ملی را مشخص می‌سازد (یوسفی، ۱۳۸۰، ۱۷-۱۸). برخی اندیشمندان، هویت ملی را به معنای عبور از هویت‌های سنتی همچون مذهب، قوم، قبیله به هویت‌های فراگیرتر می‌دانند. بر این اساس هویت ملی، هویتی است که افراد به جای این‌که خود را بر اساس تعلقات قومی قبیله‌ای شناسایی کنند، بر مبنای تعلق به ملتی خاص با جغرافیا و نظام حکومتی معین شناسایی می‌کنند. هویت ملی باید چنان فراگیر باشد که تعارضی بین هویت اولیه (فردی- قومی) و هویت فراگیر (ملی) ایجاد نکند. طبق این تعریف، ویژگی‌های هویت ملی را می‌توان به داشتن ملتی خاص، جغرافیای سرزمینی و نظام حکومتی

معین خلاصه کرد (رجایی، ۱۳۸۲، ۱۲). همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعاریف متعددی از مفهوم هویت ملی ارائه شده است. برخی به ابعاد فرهنگی و روان‌شناختی تأکید کرده و بعضی بر ابعاد جغرافیایی، تاریخ، زبان و آن را عامل پیوند و تعلق فرد به گروه یا جامعه‌ای که عضو آن است، می‌دانند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان هویت ملی را بر پایه اصول و بنیادهای مشترک دیرپای مردم یک سرزمین که بر گرد آن وحدت پیدا می‌کنند، تعریف کرد که این بنیان‌ها اساس همبستگی ملی و توسعه اقتصادی و سیاسی در جوامع امروز هستند (احمدی، ۱۳۸۷، ۱۳). در تعریف هویت قومی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و هر متفکر و اندیشمندی با برجسته کردن یکی از ویژگی‌های هویتی، به تعریف آن مبادرت کرده است. آنچه از بررسی این تفاوت‌ها به دست می‌آید، این است که مسئله محوری در تعریف هویت قومی را مؤلفه‌ها و عناصر هویت قومی تشکیل می‌دهد. بنابراین «هویت قومی را بر بنیاد شناسه‌های فرهنگی، نظیر زبان، مذهب، آداب‌ورسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌کنند که با آن افراد با تمام یا برخی جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند. البته خود این مؤلفه‌ها و عناصر نیز متنوع بوده و نقش آن‌ها در هویت دهی به اقوام متفاوت است. در علوم اجتماعی معاصر عموماً یک گروه قومیتی به صورت بیان مجموعه‌ای از تنوع‌ها و ویژگی‌های برآمده از دین، فرقه، کاست، منطقه، زبان، تبار، نژاد، فرهنگ و... تعریف می‌شود که گاه یک قومیت به‌تنهایی فقط یکی از این عناصر را در بر گرفته و با آن منطبق است و گاهی نیز شامل ترکیبی از آن‌ها است. هویت قومی نیز بخشی از هویت اجتماعی افراد است که در ارتباط با هویت‌های محله‌ای، منطقه‌ای، نژادی، فرهنگی و جز آن قرار می‌گیرد و هر یک از انسان‌ها خود را به قوم و تباری (خیالی یا واقعی) وابسته می‌دانند. ضرورت این انتساب تا حدی است که اسمیت معتقد است: اگر ملت‌ها خود را به یک ریشه قومی واقعی یا خیالی وصل نکنند، فرومی‌پاشند. یعنی این‌که هویت قومی از ترکیب متنوع مؤلفه‌های قومیتی به وجود می‌آید و حتی در بسیاری از موارد تنها یک مؤلفه متفاوت باعث ایجاد نوعی هویت قومی می‌شود. بنابراین در بین اقوام مختلف مؤلفه‌های قومیت متفاوت بوده و در هر گروه قومی، هر یک از مؤلفه‌ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند که موضوع قومیت و قوم‌مداری پیرامون آن مفهوم شکل می‌گیرد (گودرزی، ۱۳۸۴، ۳۲).

مسئله قوم‌مداری

امروزه تنوع قومی، واقعیتی نسبتاً فراگیر و جهانی است و اقوام، سهم بسزایی در صلح یا منازعه داخلی و خارجی کشورها دارند از سویی قوم‌مداری یا برتری‌طلبی قومی نیز مسئله‌ای جهانی است و برخی از پژوهشگران، آن را پدیده‌ای طبیعی می‌دانند (Lester, 2004). این مفهوم، سهم بسزایی در فهم گرایش‌های برون‌گروهي و روابط درون‌گروهي دارد (Neuliep &

McCroskey, 1997). زیرا قوم‌مداری با برتری‌طلبی و تحقیر سایر اقوام همراه است و این امر یک مانع مهم برای برقراری رابطه بین قومی، به‌ویژه نقل‌وانتقال فرهنگی در بین اقوام محسوب می‌شود و زمینه ذهنی را برای تبعیض و تضاد قومی فراهم می‌آورد. در دیدگاه قوم-مدارانه، آن قوم فقط دیدگاه فرهنگی خود را نسبت به جهان مقبول می‌داند و بسیاری از محققین آن را «مانع تشکیل یک فضای قومی - فرهنگی» می‌دانند (Carignan & Colleagues, 2005). این ویژگی قوم‌مداری که فرد همواره اولویت را به درون گروه می‌دهد و به نفع درون گروه قضاوت می‌کند، ناشی از دیدگاه‌های قالبی است که به افراد عضو یک گروه اجازه می‌دهد حتی با داشتن کمترین اطلاعات به قضاوت درباره دیگران بپردازند (Hammond & Axelrod; 2000). رفتارهای قوم‌مدارانه، غالباً با تأکید بر عناصر هویت قومی مثل زبان و لهجه، مذهب که میراث مشترک قوم نیز به حساب می‌آیند صورت می‌گیرد و تا حدی ترسیم‌کننده مرزهای نمادی و فرهنگی اقوام است. بر این اساس، توجه به پدیده قوم-مداری در یک جامعه‌ی چند قومی همانند ایران که یکپارچگی آن تا حد زیادی منوط به مسالمت و هم‌زیستی اقوام مختلف است، اهمیت زیادی دارد و شدت و ضعف قوم‌مداری می‌تواند سهم بسزایی در تضعیف یا تقویت روابط بین اقوام قومی و در نتیجه تضعیف یا تقویت یکپارچگی ملی داشته باشد (یوسفی و اصغر پور، ۱۳۸۸، ۱۲۷-۱۲۶).

قومیت و گروه‌های قومی

در متون پژوهشی مرتبط با مطالعات ناسیونالیسم، کاربرد واژه‌ها و اصطلاح‌هایی نظیر قومیت، گروه قومی، ناسیونالیسم قومی و کشمکش قومی بسیار رایج است، اما باید به این نکته‌ی مهم توجه داشت که اصولاً واژه‌ها و عناوینی چون قومیت و گروه‌های قومی، ریشه‌هایی جدید دارند و به‌ندرت می‌توان در فرهنگ‌های لغت معتبر جهانی مربوط به قرن ۱۹ میلادی، آن‌ها را یافت. اصولاً واژه‌ی قومیت تا اوایل قرن بیستم، کمتر مورد استفاده‌ی دانشمندان علوم اجتماعی قرار می‌گرفت. توجه محققان رشته‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی به این واژه‌ها به دنبال گسترش مطالعات مربوط به گروه‌های اقلیت نژادی، مذهبی، زبانی و ملیت‌های ملی و نژادی به‌ویژه به دوران محبوبیت نظریه‌ی «کوره‌ی مذاب ۱» برمی‌گردد (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۳). بر اساس این نظریه، جامعه و فرهنگ آمریکایی به کوره‌ی مذابی تشبیه می‌شد که همه‌ی این گروه‌های قومی را که از مناطق گوناگون جهان به آمریکا مهاجرت کرده بودند، در خود حل می‌کرد. در میان محققان علوم اجتماعی، نگرش واحدی نسبت به قومیت و گروه‌های قومی وجود ندارد و همه بر سر ملاک‌های تعیین‌کننده‌ی قومیت و گروه‌های قومی توافق ندارند. از نظر

برخی محققان، نژاد، ملاک معتبر برای گروه قومی بوده و از نظر دیگران، مذهب یا زبان معیار، قابل اعتنا است. به نظر می‌رسد که تعریف گروه قومی بیشتر به سلیقه و نگرش محقق بستگی دارد تا وجود ملاک‌های قابل قبول برای همه این مشکلات به‌ویژه هنگامی آشکار می‌شود که محققان علوم اجتماعی همین ملاک‌ها و واژه‌های مبهم را در تحلیل جوامع پیچیده‌ای مانند کشورهای خاورمیانه به کار می‌گیرند. در اینجا نیز ویژگی‌های خاصی باعث ایجاد مرزبندی‌های قومی می‌شود؛ به‌طور مثال در کشوری نظیر لبنان، اختلافات مذهبی و تنوع مذاهب، عامل تعیین‌کننده و مرز میان گروه‌های قومی است. در کشورهایی چون افغانستان یا ترکیه، زبان ملاک اصلی عنوان می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸). در ایران هر دو عامل یعنی زبان و مذهب، نقش عمده‌ای در شناسایی گروه‌های قومی ایفا می‌کنند. اگرچه تعریف مشخصی از قومیت وجود ندارد که مورد توافق اکثریت جامعه شناسان باشد، اما همه‌ی آن‌ها بر این اعتقادند که قومیت دارای مؤلفه‌های ذهنی و عینی است؛ این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: علاقه و آگاهی ذهنی از هویت، تعلق منافع مشترک و علایق مشترک و اشتراکات عینی فرهنگی در زبان، پیشینه‌ی تاریخی، دین و سرزمین مشترک چه در حال حاضر و چه در گذشته (رمضان زاده، ۱۳۷۶: ۲۳۴)؛ بنابراین می‌توان گفت برای درک دقیق و بهتر واژه‌ی «قومیت» در نظر گرفتن مؤلفه‌های عینی و ذهنی، لازم و ضروری است، چراکه از این طریق می‌توان تا حدودی مرزبندی مشخصی برای آن ترسیم کرد، و این واژه را از سایر مفاهیم جدا نمود. به عقیده‌ی یانگر، هرگاه شرایط ذیل فراهم شود، مفهوم قومیت کاملاً روشن می‌گردد:

۱- بخشی از جامعه‌ی بزرگ، توسط سایر بخش‌های آن جامعه، به دلیل ترکیبی از مشخصات ذیل، متفاوت نگریسته شود؛ مانند زبان، دین، نژاد، سرزمین آبا اجدادی و فرهنگ مربوط به آن؛

۲- اعضای که خود را دارای شرایط اول بدانند؛

۳- مشارکت این اعضاء در فعالیت‌های مشترکی که بر حول محور منشأ و فرهنگ واقعی یا افسانه‌ای آنان باشد.

بنابراین، قومیت‌ها هرگز به‌صورت منفرد نیستند، بلکه در یک نظام قومی وجود دارند، و وجود یک قومیت، بیانگر وجود سایر آن‌ها است (رمضان زاده، ۱۳۷۶). در واقع عملکرد اساسی قومیت، پیوند افراد منفرد و تشکیل گروه است و به این گروه یاد می‌دهد که به کجا تعلق دارند و به چه کسی می‌توانند اعتماد کنند. قومیت بر اساس رفتار، آیین‌ها و ارزش‌های مشترک بنا می‌شود و حدود این اشتراکات، مشخص‌کننده مرز رفتار متقابل گروه‌های قومی است.

تنوع گروه‌های قومی جامعه ایران

پدیده‌ی قوم‌گرایی برای برخی از کشورها، چالش‌های متعددی در برداشته و دولت‌ها در این کشورها در پاره‌ای از مواقع با بحران‌هایی گوناگون مواجه اندک وحدت و انسجام داخلی آن‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. واقعیت این است که تصور جهانی، فارغ از مسئله‌ی قومیت غیرممکن است؛ چراکه گوناگونی، ویژگی اصلی جوامع انسانی است و همین گوناگونی منجر به تنوع و تکثر هویتی می‌شود. رقابت‌ها و منازعات قومی به‌هیچ‌وجه منحصر به کشورهای درحال توسعه نیستند. جدایی‌طلبان باسک در اسپانیا، ناراضیان ایتالیایی در جنوب تیرول، گرایش‌های ناسیونالیستی اسکاتلندی‌ها و ولزی‌ها در انگلستان، خشونت‌های دیرینه‌ی ایرلند شمالی، احساسات جدایی‌طلبانه‌ی ایالت کبک در کانادا، رقابت بین والون‌ها و فلمیایی‌ها در بلژیک و یا منازعه‌ی نژادی مستمر در ایالات‌متحده‌ی آمریکا، نشان‌دهنده‌ی نقش تعلقات قومی به‌عنوان منبعی برای ایجاد منازعه و رقابت در بخش عظیمی از دموکراسی‌های فرا صنعتی اروپای غربی و شمال آمریکا است. روند فزاینده‌ی منازعات قومی به حدی است که منازعات سیاسی و چارچوب‌های ژئوپلیتیکی را در سراسر جهان به چالش کشیده است. جامعه ایران، جامعه‌ای چند قومی و در برخی موارد چندملیتی است و با تأثیرپذیری از برخی کشورهای دیگر بدون در نظر گرفتن ملاحظات خاص فرهنگی و تاریخی جامعه ایران، گروه‌های قومی جامعه ایران را از یکدیگر جدا و متمایز می‌انگارند (مفرد، ۱۳۹۱). در برخی دیدگاه‌ها، بر تکثر و تنوع فرهنگی و زبانی در جامعه ایران تأکید شده است و وجود گروه‌های قومی مختلف را در جامعه منکر می‌شوند. این گروه بیش از همگرایی اجتماعی و فرهنگی به تمامیت ارضی ایران می‌اندیشند. چنین نگرش‌هایی موجب مسکوت ماندن مباحث مربوط به تنوع گروه‌های قومی در جامعه ایران می‌شود. تعدد و تنوع قومی در ایران به‌گونه‌ای است که می‌توان جامعه پلی‌اتنیک یا کثیرالاقوم را بر آن اطلاق نمود. هرچند این اقوام در طول تاریخ در نضج و شکوفایی تمدن ایرانی سهمیم بوده‌اند و در مقاطع تاریخی از کیان مملکت و تمامیت آن دفاع کرده‌اند؛ اما به‌رغم همزیستی و همدلی و ایثارها، در مقاطعی از تاریخ کشور، این همزیستی به چالش کشیده شده و مناسبات بین دولت و اقوام، تبدیل به منازعه و کشمکش گردیده است. موضوعی که به تاریخ یک‌صد ساله اخیر شواهد متعددی می‌توان بر آن یافت. گوناگونی و تنوع قومی در ایران موجب گردیده مه حفظ انسجام ملی به یک موضوع مهم برای حکومت‌های مرکزی تبدیل گردد. در بررسی علل و عوامل وحدت یا تفرقه مردم ایران شناخت نیروهای همگرایی و واگرایی می‌تواند مؤثر باشد. برخی از این عوامل و نیروها به‌قرار زیر هستند:

- ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی: استقرار اقلیت‌ها در بخش حاشیه‌ای کشور و مجاورت دنباله‌های فرامرزی برخوردار از دولت مستقل ملی، ضریب آسیب‌پذیری دولت ملی و سرزمین ایران را بالا برده است؛

- ساختار توپوگرافی ایران: ساختار توپوگرافی غیرمنسجم و گسیخته، موجبات شکل‌دهی و تقویت خرده‌فرهنگ‌ها را فراهم آورده است.

- عدم توان در مشارکت ملی اقلیت‌ها

- سیستم ارتباطی نامناسب

- بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی: ایران دارای ساختار فضایی مرکز-پیرامونی هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای است. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامونی از توسعه‌یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است.

- عدم انطباق مرزهای قومی با مرزهای سیاسی: در ایران مرزهای قومی با مرزهای سیاسی منطبق نیستند. پراکنش قومی در استان‌های مختلف، ضرورت شناسایی این مناطق را جهت کاهش آسیب‌پذیری امنیت عمومی را نمایان می‌کند.

ب: نیروهای همگرایی

- اشتراک در لایه‌های مختلف خصیصه‌های بخش مرکزی

- ریشه تاریخی مشترک

- فرهنگ مشترک ملی

- دین و مذهب

- تهدیدهای خارجی (امیر احمدی، ۱۳۸۷)

هویت مذهبی: «اگر این مدعا پذیرفتنی باشد که ادیان در تمدن سازی تأثیر قابل توجهی داشته‌اند، مفهوم آن این است که در بین عناصر فرهنگ‌ساز بشری، دین نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارد و به تعبیری، فرهنگ دینی می‌تواند حیات‌بخش، توسعه‌آفرین و تمدن‌ساز باشد» (منصور نژاد، ۱۳۸۳، ۱۴). لذا مذهب، باوجود افزایش و شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی در تمام ابعاد خود، همچنان منبع مهمی برای هویت و معنا بخشی در جهان متجدد آشفته به شمار می‌رود. برخلاف برخی تصورات که مذهب را در نتیجه تداوم روند تجددگرایی، و محوشده می‌پنداشتند، دین به‌عنوان منبع اولیه معنا بخشی و هویت‌بخشی به بسیاری از مردم دنیا چون مسیحیان، مسلمانان، بودائیان و هندوها مطرح است. برخورداری از دین و تعالیم

مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک آیین‌های مذهبی فراگیر در فرایند شکل‌دهی هویت ملی بسیار مؤثر است (حاجیان، ۱۳۷۹، ۸۵).

امروزه جوامع تحت تأثیر دو فاکتور گسترش ارتباطات جهانی و جهانی‌شدن دچار تغییرات فرهنگی زیادی شده‌اند. رواج ارزش‌های گوناگون، قرار گرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف، از جمله عوامل تهدیدکننده تعلق خاطر به هویت دینی به‌خصوص در میان جوانان است. هویت دینی را می‌توان در دو سطح فردی، مترادف با دین‌داری فردی و جمعی، معادل اجتماع دینی یا امت مطالعه کرده. هویت دینی متضمن سطحی از هویت اجتماعی است که با «مای جمعی» یا همان اجتماع دینی متناظر است. نشان‌دهنده احساس تعلق به دین و جامعه دینی و همچنین تعهد به دین و جامعه دینی است. هویت دینی در واقع همان آثار و عوارض ناشی از حمل دین بر فرد دین‌دار است. به تعبیر بهتر با پذیرش دین به‌عنوان اصل اعتقادی و تعهد و احساس تعلق به آن در زندگی و وجوه مختلف حیات فرد مؤمن است که باعث ایجاد تغییرات در زندگی فرد می‌گردد (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳، ۴۳-۲۱). پس هویت دینی یعنی داشتن اهتمام دینی، به‌نحوی که نگرش گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (امام‌جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۳). مذهب اساساً منابع شناختی، ایدئولوژیکی، جامعه‌شناختی و معنوی را برای هویت به دست می‌دهد (فورو و دیگران، ۲۰۰۴، ۸۶). مذهب از گذشته تاکنون عامل به وجود آورنده هویت مشخص برای معتقدان خود و تمایز میان آن‌ها بوده که اعتقادی به آن نداشته‌اند. یعنی هویت انسان‌ها با مذهب و دین آن‌ها شناخته می‌شد (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۳). یهودی، مسیحی و مسلمان بدون، هویت فرهنگی انسان‌های مختلف را به نمایش می‌گذاشت.

به‌این ترتیب دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل اجتماعی کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه‌سازی جامعه و حفظ ثبات اجتماعی، تنظیم منابع و تقویت نظارت اجتماعی را بر عهده داشته‌اند (اشرفی، ۱۳۷۷، ۹). ادیان جهان به نیازهای مختلف فرد، نظیر حس ثبات در عرصه‌های اجتماعی، جغرافیایی، هستی‌شناختی، زمانی و متافیزیکی پاسخ می‌دهند. نظام معانی مذهبی طیف وسیعی از صورت‌های ممکن روابط فرد با خود، دیگران، جهان انسانی، هستی، خدا یا هر آنچه انسان آن را واقعیت یا حقیقت می‌نامد را تبیین می‌کند. هیچ منبع فرهنگی معنا بخش دیگری به لحاظ تاریخی نتوانسته است با دین در پاسخ به این نیاز انسانی یعنی هویت‌سازی رقابت کند. در نتیجه دین عمدتاً در مرکز هویت فردی و گروهی قرار دارد (سئول، ۱۹۹۹، ۵۵). ادیان احساس پیش‌بینی پذیری نسبت به هستی و حس تداومی را که فرد نیاز دارد تا به تعادل و ثبات روانی برسد، در اختیار فرد قرار می‌دهند. علاوه بر این اجتماعات مذهبی و نظام‌های

معانی، منابعی برای حس علاقه (تعلق به دیگری) و تائید (به‌عنوان پایه‌ای برای عزت‌نفس) فرد هستند و فعلیت‌بخشی و حتی تعالی بخشی خود را تشویق می‌کنند. درحالی‌که عضویت در اغلب گروه‌ها به رشد خود اجتماعی فرد کمک می‌کند، به‌طور کلی گروه‌های دینی به ارضای هر دو نیاز هویتی فرد یعنی تحقق خود فردی و اجتماعی یاری می‌رسانند. دین علاوه بر این‌که از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، سرزندگی، نشاط و اشتیاق عمومی است (ترابی، ۱۳۹۳). هویت مذهبی نوع خاصی از شکل‌گیری هویت است. مخصوصاً هویت مذهبی حس عضویت گروهی به مذهب و اهمیت این عضویت گروهی در ارتباط با خود پنداره است. هویت مذهبی ضرورتاً معادل با مذهبی بودن یا دین‌داری نیست. اگرچه این سه واژه وجوه اشتراک دارند، اما مذهبی بودن و دین‌داری اشاره به ارزش و اهمیت عضویت در گروه مذهبی و همین‌طور مشارکت در رخدادهای مذهبی دارد، اما هویت مذهبی به‌طور خاص دلالت بر عضویت در گروه مذهبی فارغ از فعالیت یا مشارکت مذهبی دارد (آرویک و نپزیت، ۲۰۱۰، ۱۱۳). همچنین اگرچه مذهب، نهاد مبتنی بر ایمان و دین‌داری، میزان عمل به آیین‌های آن مذهب و آن نهاد مذهبی است اما «هویت مذهبی» به این راجع است که افراد خود را چگونه به‌منزله یک فرد مذهبی می‌فهمند، فردی که ارزش‌ها و باورهای مذهبی و معنوی درون اجتماعی ایمانی را می‌پذیرد. هویت مذهبی یک هویت جمعی است که شامل عضویت در گروه‌های مذهبی، پذیرش نظام‌های اعتقادی آن، تائید اهمیت ارزش‌های مذهبی، تعهد به گروه‌های مذهبی و کردارهای مرتبط با مذهب است. این تعریف از هویت مذهبی آن را از هویت معنوی که بخشی از هویت شخصی است متمایز می‌کند (عادلی و همکاران، ۱۳۹۷).

همچون سایر گونه‌های شکل‌گیری هویت، مثل هویت قومی و فرهنگی، زمینه مذهبی می‌تواند چشم‌اندازی برای فهم جهان، فرصت‌های معاشرت با طیف گسترده‌ای از افراد از نسل‌های مختلف و مجموعه‌ای از اصول اساسی برای زندگی فراهم آورد. این بنیان‌ها می‌تواند به هویت فرد شکل دهد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۷). اخیراً آشموور و همکارانش، چارچوب هویت جمعی را به‌منزله راهی برای فهم هویت مذهبی در برابر سایر نظریه‌های رقیب (مثل نظریه هویت اجتماعی و خودگروه‌بندی) ارائه دادند. آن‌ها به دو دلیل چارچوب خود را هویت جمعی نامیدند: اول این‌که به لحاظ نظری همه جنبه‌های خود، متأثر از جامعه است. افراد تلقی‌شان از خودشان را در بستر مناسبات اجتماعی بین افراد به‌دست می‌آورند. همه هویت‌ها همچون هویت فردی، ذاتاً اجتماعی هستند. دلیل دوم ترجیح هویت جمعی، اجتناب از اغتشاش معنایی آن با هویت اجتماعی بود. از نظر آشموور و همکارانش، هویت‌های فردی و جمعی شامل مؤلفه‌های شناختی، احساسی و رفتاری است. اما هویت‌های فردی و جمعی به‌واسطه

کارکردشان برای افراد، از هم متمایز می‌شوند. بر این اساس تمپلتون و دیگران (۲۰۰۶-م) هویت مذهبی را به منزله هویت جمعی و هویت معنوی را به منزله هویت فردی مطرح می‌کنند. هویت معنوی، هویت شخصی است و هویت مذهبی، هویت جمعی است، زیرا افراد برخوردار از هویت مذهبی بر این باورند که آن‌ها عضوی از یک گروه مذهبی هستند و هویتشان می‌تواند بر اساس پذیرش نظام‌های اعتقادی، پذیرش اهمیت ارزش‌های مذهبی، تعهد به گروه مذهبی و کردارهای مرتبط با مذهب تغییر کند. احساس هدف و معنا در زندگی مهم‌ترین فرآورده و محصول هویت مذهبی است (همان منبع، ۹۸).

پدیده رادیکالیسم قومی- مذهبی

جهان اسلام از اواخر قرون وسطی با تمدن روبه رشد غرب روبرو شد اما این رقابت دیری نپایید که تمدن اسلامی رو به افول نهاد و تمدن غربی- مسیحی به صورت خزنده تمام بخش‌های جهان را درنوردید. عده‌ای از مسلمانان به دنبال آن شدند که علل افول تمدن اسلامی را دریابند اما این پرسشگری نتیجه واحد در پی نیاورد که سه رویکرد در قبال این افول تمدنی برجسته‌تر از بقیه بودند. عده‌ای به دنبال آن شدند که خود را با شرایط جهانی (تحت سیطره غرب) وفق دهند و تمامی ارزش‌های جدید را به‌طور تام و انکارناپذیر بپذیرند اما این گروه در جامعه اسلامی برچسب غرب‌زدگی از سوی اکثریت اعضای جامعه مخصوصاً قشر مذهبی دریافت کردند که این امر برای غرب‌گرایان در بسیاری حالات به طرد اجتماعی و گاهی از دست دادن جانشان انجامید. عده‌ای دیگر ریشه این افول تمدنی را این‌گونه دریافتند که سازواره‌های تمدنی اسلام رو به کهنگی نهاده است و ضرورت دیده می‌شود که برخی جنبه‌های جدید تمدن غربی- مسیحی با آموزه‌های بنیادین اسلام درهم آمیخته شود و آنگاه می‌توان بر نارسایی‌های موجود غالب شد. دسته سوم کسانی بودند که ریشه این نابسامانی تمدنی در جهان اسلام را ناشی از فاصله گرفتن مسلمانان از آموزه‌های اصیل اسلام دانستند و چاره‌ای کار را در آن دیدند که با مظاهر جدید تمدنی به مبارزه برخیزند و الگوی اسلام ناب (دوران پیامبر و خلفای راشدین) را دوباره در زندگی سیاسی- اجتماعی خود حاکم بسازند. از آنجایی که گذشت چند قرن، تحولاتی زیادی را در جامعه اسلامی رونما ساخته بود، بازگشت به عصر پیامبر کار ساده‌ای نبود. سلفیون (کسانی که خواهان بازگشت به دوران سلف صالح هستند) چاره‌ای کار را در آن دیدند که از قوه قهریه استفاده کنند. این طرز تفکر در بخش‌های مختلف جهان اسلام نمود پیدا نمود. افغانستان به لحاظ هم‌جواری با شبه‌قاره هند که تحت سیطره بریتانیا قرار داشت، به‌دفعات از این ناحیه آسیب دید. از آنجایی که در قرن نوزدهم رادیکالیسم مذهبی با چاشنی نظریه برتری نژادی ترکیب یافت، مسئله رادیکالیسم در جهان اسلام دوبعدی گردید (مفرد، ۱۳۹۱).

رادیکالیسم دوجبهی (راست دینی- برتری نژادی) یکی از مهم‌ترین چالش‌های بسیاری کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. رادیکالیسم دینی-مذهبی مانند هر پدیده‌ای دیگر اجتماعی ماهیت چندبعدی دارد :

الف- رویکرد حذفی در قبال واقعیت: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رادیکالیسم اعم از مذهبی و قومی، دشمنی در قبال جامعه متکثر است زیرا حقیقت محض و حقانیت ازلی را از آن خود می‌دانند. بر اساس جهان‌بینی رادیکالیست‌های مذهبی، حقیقت دین و برداشت واقعی آن صرفاً در گروه‌های محدود هستند و بقیه از آن بهره‌ای نبرده‌اند. مسلمانانی که در این دایره قرار دارند، بر آن هستند که اکثریت مردم در وادی بیراهه قرار گرفته‌اند زیرا از اصول اساسی اسلام مخصوصاً سیره پیامبر و خلفای راشدین فاصله گرفته‌اند و این وظیفه‌شان است که بقیه مسلمانان را حتی از طریق به‌کارگیری قوه قهریه به مسیر درست هدایت کنند. مهم‌ترین ابزار این گروه در قبال قرائت‌های مختلف دینی، به‌کارگیری رویکرد حذفی (تکفیر و مهدورالدم دانستن رقیب) است. با توجه به امکانات ارتباطی که در اختیار این گروه‌ها قرار گرفته است، تلاش می‌کنند که این طرز تفکر خود را در گوشه و کنار جهان پخش نمایند. در جوامعی که دولت مرکزی حضور ضعیف یا ناقص دارند، این گروه‌ها می‌توانند به راحتی از وضعیت رقت‌بار فرهنگی و فقر اقتصادی مردم مخصوصاً نسل جوان بهره‌برداری نمایند. تجربه کشورهای دیگر نشان داده است گروه‌های تندرو مذهبی برای کودکان فقیر که از تعلیم و تربیت مناسب محروم هستند و خانواده‌های آن‌ها قادر به تأمین معیشت آن‌ها نیستند، از منابع خارجی معمولاً کشورهای ایدئولوژی فرست مقدار پولی را هزینه نموده که درازای آن طرز تفکر خشونت‌بار خود را به آن کودکان تلقین می‌نمایند. علاوه بر بعد دینی، رادیکالیست‌های مذهبی هر نوع نظام سیاسی را که در دایره محدود جهان‌بینی آن‌ها ننگند، آن را مردود اعلان نموده و جهاد بر ضد آن را نه تنها مشروع بلکه فرض اعلان می‌نمایند.

ب- ضدیت با خرد انسانی: یکی دیگر از ویژگی‌های رادیکالیست‌های مذهبی، ضدیت با عقلانیت است. این گروه‌ها بر آن هستند که انسان‌ها قادر نیستند که مشکلات زور مره خود را با تعقل و تفکر حل و فصل نمایند. این طرز، تفکر جامعه را به لحاظ فکری به انجماد و انحطاط می‌کشاند چیزی که امروزه در بسیاری بخش‌های جهان اسلام مخصوصاً در افغانستان می‌توان به وضوح آن را دید. البته رادیکالیسم قومی تا حدودی در این مورد با رادیکالیسم دینی تفاوت دیدگاه دارد. بر اساس دیدگاه کسانی که قائل به برتری نژادی هستند، نحوه برخورداری انسان‌ها از خرد، بر اساس گروه‌های قومی-نژادی باهم فرق دارند (احمدی، ۱۳۹۵).

در قرن نوزدهم نظریه‌پردازان انگلیسی و آلمانی پیدا شدند که باور داشتند نژاد سفید مخصوصاً آریایی‌ها نسبت به بقیه نژادها برتری ذاتی دارد که مهم‌ترین آن برخورداری از عقلانیت و تکامل بیشتر است. پس از جنگ دوم جهانی و اثبات نادرست بودن نظریه علمی برتری نژادی در غرب، این طرز تفکر فروکش نمود اما کماکان هنوز هم طرفداران خود را دارد که در قالب نئونازی‌ها نمود پیدا می‌نماید؛ اما در افغانستان هرچند در ظاهر تئوری برتری نژادی رخت بر بسته است اما در عملکرد نخبگان سیاسی- فرهنگی افغانستان هنوز هم باورمندی به این نظریه موج می‌زند.

با توجه به این ویژگی‌ها رادیکالیسم مذهبی-قومی، می‌توان گفت که این‌ها از عوامل بنیان برافکن در قبال دموکراسی محسوب می‌شوند. جامعه دموکراتیک پذیرای هویت متکثر و خردباوری است که در آن هرکس بهره‌ای از حقانیت و عقلانیت می‌برد و هیچ‌کسی قادر نیست که طرز تفکر شخصی خود را تحت هر عنوانی که باشد بر بقیه اعضای جامعه تحمیل نماید. رادیکالیست‌ها اعم از قومی و مذهبی، درصدد حذف بقیه هویت‌های فرهنگی، سیاسی و اعتقادی در جامعه هستند تا زمینه یکسان‌سازی بر طبق میل آن‌ها فراهم شود؛ بنابراین رادیکالیسم چه در قالب مذهبی (راست دینی) و چه در قالب برتری نژادی و قومی مطرح شود، می‌تواند دموکراسی و زیرساخت‌های آن را در جامعه با تهدید جدی روبرو نماید (امیر احمدی، ۱۳۸۷).

پیشینه‌های پژوهش

جدول (۱) پیشینه پژوهش

ردیف	محقق	سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۱	محمد زاده و همکاران	۱۳۹۷	زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران	شکاف قومی در فرآیندی تاریخی در میان بعضی اقوام ایرانی فعال شده است. تشکیل دولت متجدد مرکزگرا، ملت‌سازی ناقص و ایجاد نابرابری قومی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و احساس تبعیض قومی نقشی برجسته در این فعال شدن داشته است.
۲	دهقانی و همکاران	۱۳۹۵	اختلافات قومی - مذهبی و تأثیر آن بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه	به نظر می‌رسد وجود اختلافات گسترده قومی و مذهبی در کشور سوریه و ناتوانی دولت در مدیریت آن‌ها باعث بالا رفتن شدید سطح تعارضات و نارضایتی اجتماعی در این کشور شده است.

ردیف	محقق	سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۳	رضاپور و همکاران	۱۳۹۳	جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها	الگوی تکثرگرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه‌ی همه‌جانبه و متوازن، کاربردی‌ترین الگو برای همگرایی و انسجام اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران به شمار می‌آید.

بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بعد نظری و روشی، محققان به متغیرهای خُرد و کلان رادیکالیسم قومی مذهبی توجه کرده‌اند و در این میان توجه به ابعاد هویتی و نابرابری برجسته‌تر بوده و تحقیقات در باب بعضی از اقوام بیشتر از بقیه بوده است. اما علیرغم تأکید فراوان محققان بر تحلیل و واکاوی گروه‌های رادیکالی قومی و مذهبی، هنوز عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکالی قومی-مذهبی در ایران موردبررسی قرار نگرفته است. لذا پژوهش حاضر به دنبال دو سؤال مهم است:

- ۱- مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکالی قومی مذهبی در ایران کدام‌اند؟
- ۲- هر یک از این عوامل تا چه اندازه در گسترش این گروه‌ها تأثیرگذار هستند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی به روش اکتشافی است حجم جامعه آماری این تحقیق متشکل از اساتید دانشگاه، کارکنان سازمان زندان‌ها، کارکنان سامانه‌های اطلاعاتی، کارکنان سامانه‌های امنیتی و اعضاء رسمی (دستگیرشده و دستگیر نشده) گروه‌های رادیکال قومی- مذهبی است که دارای ویژگی‌هایی از قبیل داشتن حداقل ۵ سال تجربه فعالیت در این حوزه، داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، داشتن ارتباط مستقیم یا باواسطه با گروه‌های رادیکال قومی- مذهبی، داشتن حداقل ۵ سال سابقه تدریس، داشتن حداقل ۱ مورد سابقه تحقیق و پژوهش در این زمینه و ... هستند. این پژوهش باهدف شناسایی عوامل گسترش گروه‌های رادیکالی قومی-مذهبی در دو گام اصلی طراحی شد:

گام اول: به‌منظور شناسایی تعیین‌کننده‌های اصلی (گسترش گروه‌های رادیکالی قومی مذهبی) از مطالعات مروری استفاده شد. که هدف از انجام مرور متون، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکالی قومی مذهبی) بود. درروش اسناد و مدارک از ابزار فیش‌برداری از منابع علمی موجود در کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و همچنین سایر پژوهش‌ها استفاده‌شده و با استفاده از فیش‌برداری از اسناد، مدارک و مقالات موجود در تدوین سؤالات تحقیق استفاده شد.

گام دوم: در این مرحله مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های حاصله از مطالعات مروری طی پرسشنامه‌ای توسط خبرگان دوباره مورد ارزیابی قرار گرفت تا مشخص شود، آیا نتایج آن، همان یافته‌های مطالعات مروری را تأیید می‌کند؟ لازم به ذکر است در این مرحله پرسشنامه پژوهش جهت اخذ نظر خبرگان، با استفاده از متغیرهای استخراج‌شده از مطالعات مروری تهیه و استانداردسازی شد بدین صورت که روایی پرسشنامه توزیع‌شده در بین مشارکت‌کنندگان، با استفاده از نظر حداقل ۱۰ نفر کارشناسان و اساتید صاحب‌نظر تأیید شد. که آنان روایی محتوایی و صوری پرسشنامه را تأیید کردند و همچنین از آنجایی که اعضای شرکت‌کننده در مطالعه، نماینده گروه یا کارشناسان موردنظر هستند اعتبار محتوا تضمین می‌شود و پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ $0/923$ به دست آمد که گویای پایایی بالا و مطلوب پرسشنامه است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد. قبل از انجام تحلیل عاملی، کفایت نمونه‌گیری و آزمون بارتلت محاسبه شد. در ادامه از تحلیل عاملی اکتشافی به جهت شناسایی عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی-مذهبی و به جهت شناسایی میزان بارگذاری هرکدام از متغیرها روی متغیر اصلی به روش تحلیل مؤلفه‌ها اصلی با چرخش وایمکس استفاده شده است که به وسیله نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج مربوط به گام اول که بر اساس مطالعات مروری حاصل شد. نشان می‌دهد طی این مطالعات ۱۰ مؤلفه می‌تواند در گسترش گروه‌های رادیکالی قومی مذهبی مؤثر باشند. در نتیجه این مطالعات ۵۰ گویه استخراج شد که در ۱۰ مؤلفه گنجانده شد و پس از مطالعات گسترده مشخص گردید که ده عامل محرومیت، بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی، ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی، ساختار توپوگرافی ایران، عدم انطباق گروه‌های مذهبی با مرزهای سیاسی، وابستگی به سرمایه خارجی، تحولات سیاسی منطقه، نفوذ قدرت‌های خارجی، مشروعیت سیاسی، تهدیدهای امنیتی می‌تواند بر گسترش گروه‌های رادیکالی قومی-مذهبی مؤثر باشد. از تحلیل عاملی اکتشافی جهت شناسایی عوامل گسترش گروه‌های رادیکالی قومی-مذهبی و همچنین جهت شناسایی میزان بارگذاری هرکدام از متغیرها روی مؤلفه‌های اصلی از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شده است.

جدول (۲) کل واریانس تبیین شده

مؤلفه‌ها	رتبه	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تراکمی تبیین واریانس	ارزش ویژه	درصد تراکمی تبیین واریانس
محرومیت	۷	۱۸/۰۰۲	۳۶/۶۵۴	۳۶/۶۵۴	۲۲/۳۶۹	۲۲/۳۶۹
بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی	۳	۴/۶۵۸	۸/۵۶۴	۳۷/۲۳۱	۱۱/۳۲۳	۳۳/۱۳۶
ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی	۴	۴/۵۴۸	۸/۶۲۵	۴۵/۱۲۵	۶/۲۳۰	۳۵/۲۰۱
ساختار توپوگرافی ایران	۶	۳/۳۲۵	۶/۳۰۵	۴۷/۲۳۶	۶/۲۱۳	۶۳/۷۷۶
عدم انطباق گروه‌های مذهبی با مرزهای سیاسی	۵	۲/۲۴۷	۴/۴۵۴	۵۵/۴۵۷	۵/۰۵۶	۶۵/۱۲۹
وابستگی به سرمایه خارجی	۴	۲/۱۲۴	۴/۲۳۲	۵۸/۱۴۷	۴/۳۵۶	۶۸/۲۳۶
تحولات سیاسی منطقه	۵	۲/۱۱۱	۴/۴۳۶	۷۲/۴۵۶	۴/۲۱۱	۷۷/۴۵۸
نفوذ قدرت‌های خارجی	۳	۱/۶۵۴	۳/۳۲۰	۷۷/۲۸۰	۳/۸۹۸	۸۰/۱۹۳
مشروعیت سیاسی	۴	۱/۵۴۳	۳/۱۰۰	۷۸/۲۲۵	۳/۳۳۳	۸۵/۴۴۴
تهدیدهای امنیتی	۵	۱/۲۵۴	۲/۶۳۱	۸۰/۴۶۵	۳/۲۰۱	۸۶/۲۵۸

بنابراین بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفته یازده مؤلفه اصلی برای گسترش گروه-

های رادیکالی قومی مذهبی به دست آمده‌اند که به ترتیب اهمیت به شرح ذیل می‌باشند:

۱- محرومیت با ۷ متغیر و واریانس ۲۲/۳۶۹ و ارزش ۱۲/۵۴۹

۲- بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی با سه متغیر و واریانس ۱۱/۳۲۳ و ارزش ویژه ۵/۴۱۵

۳- ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی با ۴ متغیر و واریانس ۶/۲۳۰ و ارزش ۴/۸۴۸

۴- ساختار توپوگرافی ایران با ۶ متغیر و واریانس ۶/۲۱۳ و ارزش ویژه ۴/۴۵۶

۵- عدم انطباق گروه‌های مذهبی با مرزهای سیاسی با ۵ متغیر و واریانس ۵/۰۵۶ و ارزش ویژه ۳/۶۵۸

۶- وابستگی به سرمایه خارجی با ۴ متغیر و واریانس ۴/۳۵۶ و ارزش ویژه ۳/۳۲۵

۷- تحولات سیاسی منطقه با ۵ متغیر و واریانس ۴/۲۱۱ و ارزش ویژه ۲/۸۴۰

۸- نفوذ قدرت‌های خارجی با سه متغیر و واریانس ۳/۸۹۸ و ارزش ویژه ۲/۵۴۴

۹- مشروعیت سیاسی با ۴ متغیر و واریانس ۳/۳۳۳ و ارزش ویژه ۲/۰۵۴

۱۰- تهدیدهای امنیتی با ۵ متغیر و واریانس ۳/۲۰۱ و ارزش ویژه ۱/۸۹۴

بنابراین می‌توان گفت که این ۱۰ عامل در حدود ۸۶/۲۵۸ درصد عامل گسترش گروه‌های رادیکالی قومی-مذهبی می‌باشند. در گام دوم از طریق انجام تحلیل عاملی اکتشافی، این ده مؤلفه حاصل از مطالعات صورت گرفته تأیید شد. لذا در مرحله تحلیل عاملی اکتشافی با نمره‌گذاری مؤلفه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت نتایج نهایی این عامل‌ها در جدول ۲ گزارش شده است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود. ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی با ۴/۲۱۰ بیشترین میانگین را دارد و کمترین میانگین مربوط به تهدیدهای امنیتی با مقدار ۷/۵۲۱ است.

جدول (۳) شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نام شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	کشیدگی	چولگی
محرومیت	۲۲/۱۲۰	۳/۴۲۱	۰/۷۸۹	-۰/۷۸۹
بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی	۲۵/۲۴۱	۳/۸۹۴	۰/۳۲۵	-۰/۷۴۵
ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی	۳۷/۳۲۱	۴/۲۱۰	۰/۴۳۴	-۰/۸۱۹
ساختار توپوگرافی ایران	۱۱/۶۹۸	۳/۴۱۱	۰/۴۹۴	-۰/۷۶۲
عدم انطباق گروه‌های مذهبی با مرزهای سیاسی	۱۵/۱۴۵	۳/۴۲۵	۰/۸۳۳	-۱/۷۲۱
وابستگی به سرمایه خارجی	۸/۲۱۵	۲/۱۲۳	۰/۲۷۸	-۱/۳۶۹
تحولات سیاسی منطقه	۱۲/۲۲۰	۲/۹۸۶	۰/۶۸۸	-۰/۴۵۸
نفوذ قدرت‌های خارجی	۹/۱۴۸	۲/۲۰۱	۰/۲۵۹	-۱/۴۱۱
مشروعیت سیاسی	۸/۰۱۲	۲/۱۴۵	۰/۶۵۹	-۰/۵۶۸
تهدیدهای امنیتی	۷/۵۲۱	۲/۱۱۱	-۰/۶۵۸	-۱/۵۳۲

جدول (۴) کل واریانس تبیین شده

عامل	متغیرها	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تراکمی تبیین واریانس	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تراکمی واریانس
عوامل داخلی	محرومیت، بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی، ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی - ساختار توپوگرافی ایران - عدم انطباق گروه‌های مذهبی با مرزهای سیاسی	۶/۱۱۷	۴۵/۲۱۴	۴۵/۲۱۴	۴/۱۱۸	۳۵/۲۱۶	۳۵/۲۱۶
عوامل خارجی	وابستگی به سرمایه خارجی تحولات سیاسی منطقه نفوذ قدرت‌های خارجی مشروعیت سیاسی تهدیدهای امنیتی	۱/۲۱۲	۱۲/۱۳۹	۶۴/۲۱۸	۳/۱۴۸	۲۸/۶۷۴	۶۴/۲۱۸

طبق جدول ۳ و بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفته، دو بعد اصلی برای علل گسترش گروه‌های رادیکالی قومی مذهبی به دست آمده است که به شرح زیر است:

- عوامل داخلی با ۵ مؤلفه و واریانس ۳۵/۲۱۶ و ارزش ویژه ۴/۱۱۸
 - عوامل خارجی با ۵ مؤلفه و واریانس ۲۸/۶۷۴ و ارزش ویژه ۳/۱۴۸
- با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌گردد می‌توان گفت که این دو عامل با ضریب ۶۴/۲۱۸ از مهم‌ترین عوامل گسترش گروه‌های رادیکالی قومی مذهبی هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فعالیت‌های رادیکال قومی و یا مذهبی زنجیره‌ای از رفتارهای به هم پیوسته است. لذا این امر زمانی اتفاق می‌افتد که افراد جامعه با ویژگی‌های مختلف و حتی متضاد در شرایط زندگی فردی در یک محیط زندگی اجتماعی با آن روبرو می‌شوند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل محرومیت، بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی، ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی، ساختار توپوگرافی ایران، عدم انطباق گروه‌های مذهبی با مرزهای سیاسی، وابستگی به سرمایه خارجی، تحولات سیاسی منطقه، نفوذ قدرت‌های خارجی مشروعیت سیاسی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گسترش گروه‌های رادیکال قومی-مذهبی در ایران می‌باشند همسو با این نتایج محمد زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران به این نتایج دست یافتند که شکاف قومی در فرآیندی تاریخی در میان بعضی اقوام ایرانی فعال شده است. تشکیل دولت متجدد مرکزگرا، ملت‌سازی ناقص و ایجاد نابرابری قومی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و احساس تبعیض قومی نقشی برجسته در این فعال شدن داشته است. مدیریت توزیع عدالت و کاهش نابرابری در ابعاد مختلف شکاف قومی فعال را ترمیم و آن را به شکاف غیرفعال تبدیل خواهد کرد. از این رو می‌توان گفت که تهدیدهای امنیتی برای حرکت‌های رادیکال نیاز به انگیزه‌هایی است که باعث ترغیب فرد به این قبیل رفتارها می‌شود، شناخت عوامل بسترساز و مستعد کننده در حرکت‌های رادیکال از مباحث مهم و حیاتی است که سامانه‌های امنیتی را در جهت تشخیص بهتر و سریع‌تر ریشه‌ها در امر حفظ سلامت جامعه می‌تواند یاری دهد. یکی از راه‌های کنترلی این قبیل گروه‌ها، کنترل آینده‌نگرانه جامعه است که مطلوب‌ترین نوع کنترل نامیده می‌شود که می‌تواند از بروز مشکلات پیش‌بینی شده جلوگیری نماید، دلیل این که به این نوع کنترل، کنترل آینده‌نگرانه می‌گویند، این است که پیش از شروع فعالیت‌های رادیکال بتوان آن را کنترل نمود. بدین سبب مطلوب بوده و سامانه‌های امنیتی-اطلاعاتی را قادر خواهد ساخت که از بروز مشکلات حاد در سطح

جامعه جلوگیری کند. در واقع قدرت سازمان‌های امنیتی- اطلاعاتی در پیش‌بینی است. لذا وقتی بسترهای آلودگی امنیتی در قسمتی از جامعه در حال رشد تشخیص داده می‌شود احتمال وجود بیماری‌های امنیتی نیز قابل پیش‌بینی می‌گردد و مانند علم پزشکی که هزینه پیشگیری مانند دادن آموزش صحیح، از بین بردن بسترهای آلودگی، واکسیناسیون و ... به مراتب کمتر از درمان بیماری است، در علوم اطلاعاتی نیز با پیش‌بینی بسترهای ایجاد آلودگی امنیتی قبل از بروز آن معضل امنیتی و ایجاد هزینه‌های جانی و مالی زیاد می‌توان جلوگیری به عمل آورد. هرچه شکاف قومی در جامعه متراکم‌تر باشد، احتمال خشونت و آسیب ناشی از آن بیشتر است. تبدیل شکاف‌های متراکم به متقاطع یکی از راهبردهای اساسی در مدیریت تضاد قومی است. برای مثال، شکاف قومی در میان بلوچ‌های زابل و گردهای شیعه از نوع متقاطع است؛ به همین دلیل، احساس تبعیض قومی در میان آنان کم است و دارای سابقه بسیج قومی دامنه‌داری نیستند. یکی دیگر از راهبردهای اساسی، کاهش احساس نابرابری در مختلف در میان اقوام است که در ابعاد مختلف قابل‌پیگیری است. برای مثال، با آزاد کردن نخبگان قومی در سطوح مختلف مدیریتی، با قید شایستگی، مشارکت اقوام در تصمیم‌گیری‌های کلان، و دادن فرصت برابر برای آموزش و گزینش و استخدام افراد قومی می‌تواند باعث کاهش نابرابری در بعد سیاسی شود.

با توجه به تنوع گروه‌های قومی، زبانی و مذهبی در ایران، گسترش مشارکت سیاسی و گردش قدرت در بین نخبگان، یک مسئله‌ی حیاتی برای پویایی جامعه و دولت جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. عدم گردش قدرت در میان نخبگان و به حاشیه رانده شدن عده‌ای از آن‌ها، موجب ایجاد نوعی حس بیگانگی با نظام می‌شود، و وحدت ملی را به مخاطره می‌افکند. یکی از راهکارهای اساسی برای ممانعت از شکل‌گیری بحران‌های قومی، به‌کارگیری سیاست تکثرگرایی به‌خصوص تکثر فرهنگی در قبال اقوام است. احترام به آداب‌ورسوم اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها، اصالت تنوع قومی و فرهنگی و توجه به اصل وحدت در عین کثرت، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات کشور باشد. بدین معنا که وحدت و انسجام ملی کشور در صورت پذیرش اصل تنوع موجود، امکان‌پذیر است. در این شرایط، توازن تاریخی و طبیعی ملت همچنان باید حفظ شود و در طول زمان تداوم یابد. الزامات سیاست‌گذاری کلان و ملی ایجاد می‌کند که به امر جمع‌آوری، نشر و توسعه‌ی آداب‌ورسوم محلی در سطح کشور، توجه بیشتری شود و چه‌بسا که برخی از همین‌ها بدین گونه عمومیت یافته و جزء سنن مشترک ملی قرار گیرد و از جنبه‌ی محلی خارج شود. تنوع مذهبی و قومی جامعه‌ی ایران، حکم می‌کند که دولت جمهوری اسلام ایران توجه وافر به خواسته‌های اقوام مختلف ایرانی نماید. با مشارکت سیاسی و حضور اقشار

گوناگون جامعه‌ی ایرانی، کشور، توان مقابله با چالش‌های گوناگون دنیای پیچیده و جهانی شده کنونی را خواهد داشت.

قدردانی

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۵)، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت، تهران: انتشارات نشر نی.
- اعرافی، حسین؛ حسین‌پناه، علی (۱۳۹۳)، نقش نخبگان دینی در تربیت دینی، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، شماره اول.
- الطائی، علی (۱۳۸۳). بحران هویت قومی در ایران. تهران. نشر شادگان
- اشرف، احمد (۱۳۷۲). هویت ایرانی. فصلنامه فرهنگی اجتماعی گفتگو. شماره ۳
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت، گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی، شماره ۲۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، مدیریت رسانه‌ای بحران، تهران: انتشارات پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۱۸۰.
- امام‌جمعه زاده و حسین مهدیان (۱۳۹۳) شکاف‌های قومی - مذهبی مؤثر بر امنیت ملی ایران. فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۳۱۶ - ۲۹۷، ۱۴.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، مطالعات راهبردی، دوره اول. شماره ۱. ۱۳-۲۹.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۸)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نی

- پوستین چی، زهره؛ متقی، ابراهیم (۱۳۹۳)، تحول در سوژه‌های امنیتی مذهب پایه: تحلیل الگوی رفتاری منافقین و داعش، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات، صص ۱۷۷-۲۱۲.
- ترابی، یوسف و یوسفعلی مجیدی (۱۳۹۳) بررسی چگونگی شکاف‌های قومی در کردستان. پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۱(۱۱). ۲۹-۹
- حسینی هرنزی، محمدحسین (۱۳۸۷)، *نخبگان و انقلاب اسلامی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- خورشیدی، وحید (۱۳۹۲)، *بررسی اطلاعاتی احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف ج.ا.ا.*، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات.
- داوریان، داود (۱۳۹۳)، *بررسی اطلاعاتی تروریسم تکفیر در شمالغرب ایران*، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات .
- دهقانی، یدالله؛ کتابی، محمود، جعفری نژاد، مسعود (۱۳۹۵) اختلافات قومی - مذهبی و تأثیر آن بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*. ۲۹(۱۲۸-۹۵)
- رضاپور، محمد؛ نادری، محمود (۱۳۹۳) جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها، *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۵(۱۴). ۱-۳۷
- رمضان زاده، عبدالله. (۱۳۷۶)، *توسعه و چالش‌های قومی*، توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم.
- طلوعی، محمود (۱۳۹۰)، *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران: انتشارات علم و سخن.
- عادل‌علی و سروش فتحی (۱۳۹۷) تحولات قومی در مرزهای ایران قبل و بعد از جنگ تحمیلی؛ برنامه‌ریزی منطقه‌ای جغرافیا، ۸(۳). ۳۱-۵۴
- عطا، محسن؛ سعیدیان، ناصر (۱۳۹۱)، *علل گسترش و نفوذ گروه‌های اهل سنت سلفی در میان اعراب خوزستان*، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵) فرهنگ ملی، فرهنگ‌های قومی- جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی. *جامعه‌شناسی ایران*. ۱(۷). ۶۲-۸۷
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۱)، *حکومت محلی، استراتژی فضایی قدرت سیاسی ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کویانی راد، مراد (۱۳۸۹)، *بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کوردل، کارل و استفان ولف (۱۳۹۳) *منازعات قومی*، ترجمه عبدالله رمضان زاده، تهران: فرهنگ‌شناسی/میزان.
- گر، تد رابرت (۱۳۸۸)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه: علی مرشدی زاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات ملی.
 - محمدزاده، حسین؛ خانی، سعید (۱۳۹۷). زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره دوازدهم، شماره ۳، ۱۴۷-۱۴۶.
 - مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، تحولات سیاسی- اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۰، تهران: انتشارات روزنه.
 - مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران، انتشارات موسسه مطالعات ملی.
 - مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق (۱۳۹۰)، بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه، تهران: فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم.
 - مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰) تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: تمدن ایرانی.
 - نقدی، اسدالله و دیگران (۱۳۹۴)، بررسی جامعه‌شناختی میزان همگرایی قومیت‌های (فارس، ترک، لر) استان همدان، تهران: انتشارات تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، بهار و تابستان، شماره ۶۸.
 - هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵) *درگیری‌های سیاسی پس از جنگ سرد*. ترجمه عباس امیری، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، ۳۵-۲۶.
 - یوسف جویباری، محمد، یاسر صیدی مرادی و علیرضا فتاحی (۱۳۹۱) نابرابری قومیتی و امنیت ملی. *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره پنجم، شماره ۱۵، ۱۳۷-۱۲۱.
 - مفرد، امیرعباس (۱۳۹۱) بررسی عوامل مؤثر و تأثیرگذار در هم‌گرایی قومیت‌ها با تأکید بر ساختار امنیت کشور ایران، همایش شهرهای مرزی و امنیت، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
 - امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۸۷) قومیت و امنیت. ترجمه حسن شفیعی. *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، پیش‌شماره دوم.
-
- Birnir, Jóhanna K. (2009) *Ethnicity and Electoral Politics*, New York, Cambridge University Press, 1st edition
 - Esman, M. J. (2004). *An introduction to ethnic conflict* (pp. 41-44). Cambridge: Polity.
 - Esteban, Joan and Debraj Ray (2011) "Linking Conflict to Inequality and Polarization", *American Economic Review*, Volume 101, Issue 4, pp. 1345-1374
 - Lipset, S. M., & Rokkan, S. (1967). *Cleavage structures, party systems, and voter alignments: an introduction*. Free Press.

- Cederman, Lars-Erik, Wimmer, Andreas and Brian Min (2010) “Why do Ethnic Groups Rebel? New Data and Analysis”, *World Politics*, Volume 62, Issue 1, pp. 87-119.
- Vogt, Manuel (2017) “Ethnic Stratification and the Equilibrium of Inequality: Ethnic Conflict in Post-colonial States”, *International Organization*, Volume 72, Issue 1, pp. 105-137.
- Vogt, M. (2013). *Ethnic mobilization, equality and conflict in multi-ethnics states* (Doctoral dissertation, ETH Zurich).





پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی